

جهت‌گیری سیاسی در گزارشگری روزنامه

تحلیل محتوای پوشش
اخبار مربوط به سرنگونی
هواپیمای کره و ایرباس
ایران در مطبوعات برجسته
آمریکا

نویسنده: DIANA PEH &

SRINIVAS R. MELKOTE

ترجمه: م. فرقانی

خلاصه:

هدف این مطالعه، شناخت نحوه انعکاس رویدادهای مشابه در روزنامه‌های برجسته آمریکایی، به خصوص در مورد وقایعی است که عاملان آنها متفاوت هستند. همچنین در صورت وجود «جهت‌گیری»، شناخت نحوه جهت‌گیری نیز هدف دیگر این پژوهش است. این مطالعه از طریق آزمون سه روزنامه معتبر آمریکایی یعنی نیویورک تایمز، واشنگتن پست و لس‌آنجلس تایمز صورت گرفت. به این صورت که پوشش خبری آنها در مورد دو واقعه مشابه یعنی شلیک به پرواز شماره ۰۰۷ خطوط هوایی کره (KAL) به وسیله شوروی در سال ۱۹۸۳ و شلیک به پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر به وسیله نیروهای آمریکایی در سال ۱۹۸۸، مورد بررسی قرار گرفت. پیش فرض این بود که رویدادهای مشابه، علی‌الاصول می‌بایست پوشش خبری مشابه بگیرند. زیرا می‌بایست «اصل بر عینیت باشد».

به منظور پی بردن به «جهت‌گیری» در روزنامه‌ها، مقالات و جملات آنها در مورد هر



خیلی بیشتری جملات قضاوتی و استنباطی دیده شد.

پرسش این است: آیا در شیوه‌ای که مطبوعات آمریکایی بحران‌های بین‌المللی را گزارش می‌کنند، تفاوت وجود دارد؟ مخصوصاً اگر ملیت خبرسازان متفاوت باشد و از جمله کشورهایی باشند که همبسته و هم‌پیمان با آمریکا نیستند؟ اگر پوشش خبری متفاوت است، این جهت‌گیری چگونه اتفاق می‌افتد؟ این مطالعه به منظور بررسی نحوه برخورد روزنامه‌های نخبه آمریکایی با رویدادهای

مشابه انجام گرفت. این رویدادهای مشابه عبارت بودند از سقوط هواپیمای کره‌ای به وسیله اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۸۳ و سقوط هواپیمای ایرانی به وسیله آمریکا در سال ۱۹۸۸. این رویدادها فرصتی را فراهم می‌کنند تا مشخص شود که روزنامه‌های نخبه آمریکایی چگونه خبرهایی را که دارای اهمیت جهانی هستند ولی عاملان آنها متفاوتند، پوشش می‌دهند.

دو واقعه، از لحظه وقوع حادثه تا ۱۰ روز پس از آن مورد تحلیل محتوا واقع شدند تا جهت‌گیری از نظر سبک گزارشگری، عدم تعادل، و هویت منابع خبری اولیه روشن و مشخص شود. سبک گزارشگری در رابطه با پنج موضوع تعریف شده مورد آزمون قرار گرفت: تیراندازی به هواپیمای کره، اتحاد جماهیر شوروی، تیراندازی به هواپیمای ایران، آمریکا، و ایران. برای اندازه‌گیری درجه عدم تعادل در مورد هر یک از موضوعات، از یک شیوه آماری به نام «ضریب عدم تعادل» (Coefficient of Imbalance) استفاده شد.

نتایج نشان می‌دهند که در نحوه انعکاس و گزارش واقعه، تفاوت‌هایی وجود دارد. سقوط هواپیمای کره و کشور شوروی در اخبار، با چهره منفی نشان داده شدند. در حالی که به مورد ایران به شکل مثبت پرداخته شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که در نحوه پوشش خبری روزنامه‌های مورد بررسی در مورد این دو رویداد جهت‌گیری دیده می‌شود. در پوشش خبری مربوط به سقوط هواپیمای کره، مقدار

تحقیقات ارتباطی نشان می‌دهند که جهت‌گیری در رسانه‌های آمریکایی وجود دارد. این جهت‌گیری به اشکال مختلف خود را نشان می‌دهد: جهت‌گیری از نظر منبع خبر، ارائه نامتوازن موضوعات بحث‌انگیز، استفاده زیاد از فرمول‌های قالبی، انتخاب و حذف اطلاعات، تأکید و استفاده زیاد از منابع وابسته به دولت مثل اعلامیه‌های رسمی، بیانیه‌های مطبوعاتی، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های رهبران (بنت، ۱۹۸۸؛ هرمن و چامسکی، ۱۹۸۸؛ پارتی، ۱۹۸۶؛ گاندی، ۱۹۸۲).

بارانکو، شالیس (۱۹۸۸)، «جهت‌گیری» را از نظر نحوه ارائه نامتعادل «حقایق» و «عقاید» بررسی کردند. آنها پوشش خبری نیویورک تایمز در مورد اعراب و اسرائیل را با هم مقایسه کردند و به این نتیجه رسیدند که رویدادهای موضوعات و رهبران اسرائیلی، پوشش بسیار زیادتری از همسایگان خود در روزنامه‌های آمریکایی می‌گیرند. در یک بررسی کیفی از پوشش خبری در همان منطقه، نتیجه گرفته شد که روزنامه‌های آمریکایی، در جریان پوشش خبریشان از بحران گروگان‌گیری در ایران، با توسل به یک فرمول پیش‌ساخته صوری از اسلام و ارزش‌هایش، سعی در ساده نشان دادن مسئله داشتند. موقعی که بحران گروگان‌گیری بالاگرفت و توجه زیادی را به خود جلب کرد، پوشش خبری بیشتری به رویدادهای واقعی و شخصیت‌های درگیر ماجرا داده شد. کمتر مطلبی دیده می‌شد که در آن به تحلیل تاریخ، سیاست و جامعه ایران که منجر به انقلاب و بحران گروگان‌گیری شد، پرداخته شده باشد.

تحقیقات مختلف بارها به این نتیجه رسیده‌اند که رسانه‌ها و دولت آمریکا، چه عمدی و چه غیرعمدی سعی در حفظ روابط مسالمت‌آمیز با یکدیگر دارند (شادسن، ۱۹۸۷؛ گنز، ۱۹۸۰؛ کورکوران، ۱۹۸۶؛ بنت، ۱۹۸۸). هرمن و چامسکی (۱۹۸۸) نشان داده‌اند که چگونه وقتی روزنامه‌ها از دستور کار دولت حمایت می‌کنند، جهت‌گیری ساختاری در گزارش‌هایشان به وجود می‌آید. این دو محقق پوشش خبری نیویورک تایمز را در مورد انتخابات ملی السالوادور و گواتمالا در ۱۹۸۲ و ۸۵-۱۹۸۴، با انتخابات نیکاراگوئه در ۱۹۸۵ مقایسه کردند. آنها مطالعه را با این فرضیه آغاز کردند که به منظور مشروعیت‌بخشی به حمایت آمریکا از انتخابات السالوادور و گواتمالا

درحالی که مطبوعات، انتخابات نیکاراگوئه را (یک نمایش مسخره) می‌خواندند، باید از شیوه‌های مختلف ارزش‌گذاری استفاده می‌کردند. نیویورک تایمز در گزارش‌های خبری خود از السالوادور و گواتمالا بر عناوینی چون «اهداف و امیدهای دموکراسی»، «شکست یاغی» و نیز عکس‌العمل‌های رسمی در مورد انتخابات متمرکز می‌کرد، درحالی که در گزارش‌های مربوط به انتخابات نیکاراگوئه، صلاحیت و توانایی‌های کاندیدها و شرایط اصلی هیات‌های انتخاباتی را زیر پرسش می‌برد. بالاتر از همه، آنها دریافتند که پوشش انتخاباتی نیویورک تایمز با دستور کار دولت ایالات متحده سازگار است.

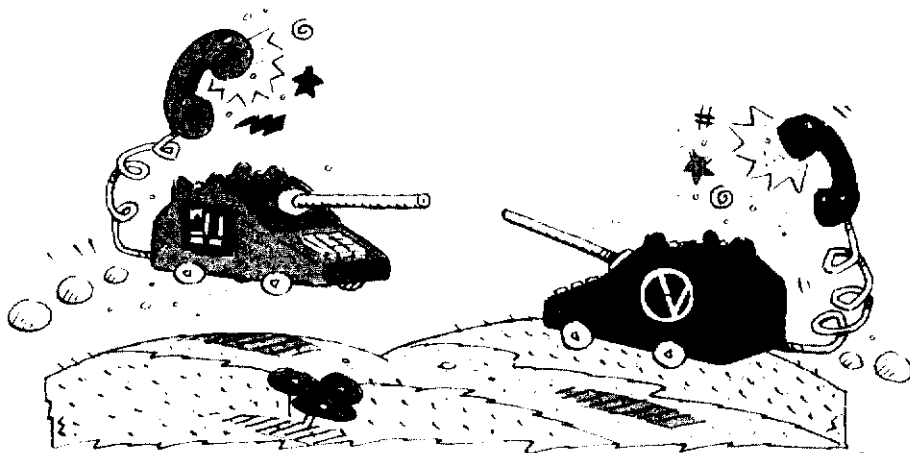
کورکوران (۱۹۸۶)، نحوه پوشش اخبار مربوط به حادثه سرنگون کردن پرواز شماره ۰۰۷ به وسیله شوروی‌ها در سال ۱۹۸۳ را تا حد زیادی یک «عمل لفاظانه» (Rhetorical Act) خواند. او پوشش خبری سه مجله تایم، نیوزویک و اخبار آمریکا و گزارش‌های جهان را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که جهت‌گیری ایدئولوژیک در گزارش‌ها وجود دارد و تصویری که مجلات آمریکایی از شوروی ترسیم می‌کنند بسیار شبیه دیدگاه‌های دولت محافظه‌کار ریگان است. کورکوران (۱۹۸۶)، از این هم جلوتر می‌رود تا جایی که بیان می‌کند: سه مجله مورد مطالعه به‌عنوان رکن چهارم دموکراسی عمل نکردند، بلکه سخنگوی دولت آمریکا بودند و دقیقاً همان رابطه‌ای که بین «تاس» و «پراودا» با دولت شوروی وجود دارد، بین مجلات آمریکایی با دولت آمریکا هم وجود دارد.

پرسش‌های تحقیق

فاجعه سقوط هواپیماهای خطوط هوایی ایران و کره دارای شباهت‌های زیادی بودند؛ هر دو هواپیمای ساقط شده، غیرنظامی بودند و به منطقه حساس نظامی وارد نشده بودند، هر دو هواپیما به وسیله نیروهای نظامی مورد اصابت قرار گرفتند، عاملان هر دو ماجرا، ادعا کردند که تشخیص نداده‌اند هواپیما غیرنظامی بوده است و در هر دو مورد انسان‌های بیگانه‌ی زندگی خود را از دست دادند.

وجه تمایز اصلی این دو ماجرا مربوط به عاملان و خیرسازان درگیر ماجرا بود. به‌منظور آزمون عینی بودن روزنامه‌های نخبه آمریکایی، سبک‌های گزارشگری سه روزنامه نیویورک تایمز، واشنگتن پست و لس‌آنجلس تایمز مورد بررسی دقیق قرار گرفت. با توجه به تشابه رویدادها، فرض بر این بود که سه روزنامه مذکور باید پوشش‌های خبری یکسان به هر دو حادثه داده باشند. پرسش این بود: «آیا چنین کردند؟» پرسش‌های بعدی تحقیق اینها هستند:

- ۱- گستردگی پوشش خبری هر یک از دو رویداد در زمان مورد بررسی، چه اندازه بود؟
- ۲- هر روزنامه چگونه با شلیک و عاملان آن برخورد کرد. برای مثال، آیا با بازیگران اصلی این دو ماجرا یعنی شوروی و آمریکا برخوردی یکسان از نظر جهت‌گیری مثبت یا منفی و یا خنثی صورت گرفت و یا این برخورد نامتوازن و نابرابر بود؟
- ۳- تا چه اندازه از جملات قضایوتی و تفسیری برای توصیف شلیک و عاملان آن استفاده شد؟
- ۴- این روزنامه‌ها به چه منابعی تکیه داشتند؟ روسی، ایرانی، آمریکایی و یا سایر؟



پرسش‌های بالا در مورد هریک از روزنامه‌ها به‌طور جداگانه و سپس هر سه روزنامه به‌طور کلی، پاسخ داده شدند. پرسش‌های ۱ و ۲ با «گسترده‌گی» و «جهت‌گیری» پوشش خبری دو حادثه مرتبط است. پرسش ۳، مربوط به نوع «گزارشگری» است و به دنبال مقوله «عینیت» می‌گردد. به‌طور کلی، همیشه یک رابطه معکوس بین میزان عینیت و استفاده از تفسیر و قضاوت وجود دارد. پرسش ۴، مربوط به جهت‌گیری در مورد «منبع» است زیرا کسی که حرف را می‌زند عنصر مهمی در شکل دادن افکار عمومی است (هاکت ۱۹۸۵).

فرضیه‌ها:

براساس تحقیقات قبلی که در بررسی منابع آورده شد، فرضیه‌های زیر شکل گرفتند:

۱ - حادثه هواپیمای کره، پوشش خبری بیشتری از حادثه هواپیمای ایرانی خواهد گرفت.

از آنجا که سرنگون کردن یک هواپیمای مسافبری و مرگ افراد بیگناه، حادثه‌ای است که افکار عمومی آن را محکوم می‌کنند، پیش‌بینی می‌شد که دولت آمریکا از حادثه هواپیمای کره به عنوان ابزار پروپاگاندا در جهت بی‌اعتبار کردن شوروی استفاده کرده باشد. انتظار می‌رفت که روزنامه‌ها بیشتر اطلاعات خود را از منابع رسمی آمریکا گرفته باشند. احتمالاً پوشش خبری در مورد حادثه هواپیمای ایرانی محدودتر خواهد بود زیرا خود آمریکایی‌ها درگیر ماجرا هستند.

۲ - بیشتر جملات استنباطی برای سقوط

هواپیمای کره‌ای مورد استفاده قرار خواهد گرفت تا برای سقوط ایرباس ایرانی.

۳ - بیشتر جملات قضاوتی برای سقوط هواپیمای کره‌ای مورد استفاده قرار خواهد گرفت تا برای سقوط ایرباس ایرانی.

۴ - بیشتر جملات استنباطی برای توصیف کار شوروی در سقوط هواپیمای کره به کار برده خواهد شد تا برای توصیف عمل آمریکا در مورد ایران.

۵ - بیشتر جملات قضاوتی برای توصیف کار شوروی در سقوط هواپیمای کره به کار برده خواهد شد تا برای توصیف عمل آمریکا در مورد ایران.

اگر ماجرای سقوط هواپیمای کره را به عنوان ابزاری برای پروپاگاندا علیه دولت شوروی بدانیم، انتظار می‌رفت که بیشتر جملات استنباطی و قضاوتی به منظور تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی در این رابطه به کار برده شوند.

۶ - شوروی در رابطه با ماجرای سقوط هواپیمای کره به مراتب منفی‌تر از آمریکا در قبال سقوط ایرباس ایران به تصویر کشیده خواهد شد.

پیش‌بینی می‌شد که روابط خصمانه آمریکا- شوروی و ایران - آمریکا در نحوه پوشش خبری تاثیر داشته باشد. شوروی‌ها باید محکومیت را تحمل می‌کردند و ایرانیان خود مسؤول شلیک قلمداد می‌شدند.

۷ - در گزارش هر دو رویداد، تاکید اصلی روی منابع آمریکایی خواهد بود.

روزنامه‌های معتبر با تعداد زیادی خبرنگار اتفاقی و مقیم که در نقاط مختلف جهان دارند، در نوشتن گزارش رویدادها بیشتر به خبرنگاران خود متکی هستند و اطلاعات مورد نیاز را هم از مقامات رسمی آمریکایی می‌گیرند.

روش‌شناسی و طرح تحقیق

واحد تحلیل (Unit of Analysis) ما «روزنامه» بود. از میان روزنامه‌های معتبر آمریکایی، سه روزنامه نیویورک تایمز، واشنگتن پست و لس‌آنجلس تایمز به عنوان نمونه برگزیده شدند تا مورد تحلیل واقع شوند. این روزنامه‌ها، از مطرح‌ترین روزنامه‌های روزانه آمریکا هستند. اگرچه «روزنامه» واحد تحلیل ما بود ولی به منظور آزمون پرسش مربوط به جهت‌گیری در پوشش دو حادثه، «اخبار صرف» به عنوان «واحد مشاهده»

انتخاب شدند.

گزارش‌های کوتاه، سرمقاله‌ها، نامه‌ها و تفسیرها از مطالعه خارج شدند، زیرا به عنوان مطالب عینی معنی‌دار نبوده و منعکس‌کننده دیدگاه‌های شخصی نویسندگانشان بودند.

برای عملیاتی کردن مفهوم «جهت‌گیری»، این مطالعه، منبع هر مطلب و سبک گزارشگری و جهت‌گیری آن را بررسی کرد. برای رسیدگی دقیق‌تر، خبرهای صرف هم به واحدهای کوچک‌تر «جمله» تقسیم شدند. زیرا به نظر می‌رسید که «جمله» برای قضاوت در مورد جهت‌گیری و سبک گزارش مناسب‌تر باشد. اگر کل یک خبر را به عنوان واحد مشاهده در نظر بگیریم، توصیف ما بسیار ذهنی خواهد شد به این علت که کل یک خبر، می‌تواند ترکیبی از جمله‌های حاوی عینیت، استنباط و قضاوت باشد. این ایراد در مورد پاراگراف هم با شدت کمتری صادق است. «کلمه» هم واحد بسیار کوچکی است و نمی‌تواند واحد قابل اعتمادی برای تحلیل باشد.

البته برای آزمون ابتدایی منبع خبر، کل یک مطلب به عنوان یک واحد مشاهده منطقی، باقی می‌ماند. معمولاً اگر بالای مطلب نام نویسنده باشد، معلوم است که نویسنده از اعضای هیأت تحریریه روزنامه است. اگر در ابتدای خبر به نام A.F.P. U.P.I. A.P. برنخوریم، مشخص می‌شود که خبر از خبرگزاریها رسیده است. در برخی موارد، اصطلاح «به نقل از منابع رسمی»، نشان‌دهنده منبع خبر است.

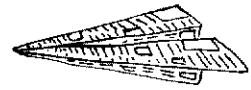
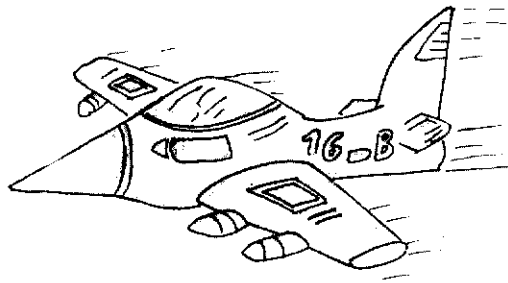
مقطع زمانی

مقطع زمانی مورد بررسی برای پوشش خبری ماجرای هواپیمای کره، ده روز اول بعد از حادثه یعنی از ۲ سپتامبر تا ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۳ و در مورد ماجرای ایران، از ۴ جولای تا ۱۳ جولای ۱۹۸۸ بود. تمام اخبار محض که در طول این مقطع زمانی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به حادثه مربوط می‌شوند، مورد تحلیل قرار گرفتند. در واقع تمام جملات یک مطلب، به‌انضمام تیترها بررسی شدند. تمام موضوعات خبری که مکمل حادثه تلقی می‌شدند و با خود رویداد به‌طور مستقیم سروکار نداشتند از شمول این بررسی خارج شدند. این‌گونه مطالب شامل تاریخچه‌ای از کشورهای درگیر، مقالاتی درباره تکنولوژی مورد استفاده در شلیک، تصاویر قربانیان و

را نه به صورت مطلوب و نه به صورت نامطلوب به تصویر بکشند. جمله خنثی جمله‌ای است که درباره اعمالان و عمل آنها قضاوت نمی‌کند.

مثبت: جمله‌ای به‌عنوان مثبت کدگذاری می‌شود که تداعی‌کننده یک تاثیر مثبت راجع به موضوع باشد. جملات مثبت معمولاً «عمل»ها را حمایت می‌کنند و یا نقل قول‌هایی را ذکر می‌کنند که در تایید آن «عمل» باشند. همچنین جملاتی که به‌طور تلویحی و بدون تایید صریح، ماجرا را توجیه‌شدنی جلوه می‌دهد، مثبت در نظر گرفته می‌شود.

نامربوط: جملات انتقالی و جملاتی که در مورد موضوعاتی غیر از پنج موضوع نگرشی بحث می‌کنند، در این مقوله می‌گنجند.



مقوله‌های تحقیق

اگر جمله‌ای، به یک یا چند موضوع نگرشی مربوط می‌شود، باید مشخص می‌شد که «گونه» (Type) و «جهت» (Direction) آن چگونه است. «گونه» با استفاده از تقسیم‌بندی سه‌گانه «هایاکاوا» به سه زیرمقوله: گزارش، استنباط و قضاوت تقسیم شد.

اگر یک جمله به هیچ یک از پنج موضوع نگرشی مربوط نمی‌شود، در طبقه «نامربوط» جای می‌گرفت. «جهت» خنثی نیز به سه زیرمقوله مثبت، منفی و خنثی تقسیم شد. تعاریف عملی مقوله‌ها به شرح زیر است: گزارش: جمله‌ای به‌عنوان گزارش کد می‌شود که طبق تعریف هایاکاوا، قابلیت تایید و یا رد داشته باشد.

استنباط: استنباط هم به گفته هایاکاوا، جمله‌ای درباره یک چیز مجهول است که برپایه و اساس یک چیز معلوم ساخته شده باشد. قضاوت: قضاوت بیانی از یک نویسنده، دال بر موافقت یا عدم موافقت او با رویدادها، افراد و موضوعات است. (هایاکاوا ۱۹۷۲)

به‌عنوان یک قانون کلی برای این مطالعه، جمله‌ای که حاوی فید، صفت، افعال قوی و یا هر چیز که احساسات نویسنده را در قبال یک موضوع نگرشی بیان کند، در طبقه «قضاوت» می‌گنجد.

منفی: جمله‌ای به‌عنوان منفی کدگذاری می‌شود که یک معنی منفی را نسبت به موضوعی برساند و در کل، موجب ایجاد نگرش منفی در خواننده شود. جملات منفی شامل توصیف‌های نامطلوب از اعمالان ماجراها یا عمل آنها مثل محکوم کردن و نظایر آنهاست.

خنثی: جمله‌ای است که یک موضوع نگرشی

خانواده‌های آنان، نظاهرات علیه شلیک و پیشنهادهایی برای تحریم یا جبران اقتصادی می‌شد.

یک روش دیگر برای شناخت ربط یک مطلب به رویداد این بود که اگر ۳۰ درصد جملات یک مطلب، در رابطه با ماجرا بود، برای تحلیل انتخاب می‌شد.

شیوه کدگذاری

برای یافتن تفاوت میان نحوه انعکاس اخبار دو رویداد، دو موضوع به مقایسه گذاشته شدند؛ اعمالان حوادث و اعمال آنها.

موضوعات نگرشی (Attitude Objects)

بنابراین، در اخبار ماجرای هواپیمای کره، باید مشخص می‌شد که هر جمله در رابطه با شلیک، اتحاد جماهیر شوروی هر دو یا هیچکدام است. در مورد حادثه ایران هم باید مشخص می‌شد که آیا هر جمله مربوط به شلیک، آمریکا، ایران، هرسه یا هیچکدام است. در مورد حادثه ایران، مقوله ایران اضافه شد، زیرا به نظر محققان جالب بود که باتوجه به روابط حساس بین ایران و آمریکا، نوع پوششی که به ایران داده می‌شود، مشخص شود. پنج موضوع تیراندازی به هواپیمای کره، شوروی، تیراندازی به ایرواس ایران، آمریکا و ایران، به‌عنوان پنج موضوع نگرشی مطرح شدند زیرا تحلیل یک موضوع نگرشی، منعکس‌کننده وضعیت یا احساس نویسنده است و یک پاسخ احساسی از طرف خواننده را هم به دنبال خواهد داشت. جمله‌ای که خواننده را قادر می‌ساخت تا در مقابل موضوع مطالعه‌شده، موضعی را اتخاذ کند و یا تصمیمی بگیرد، به‌عنوان یک موضوع نگرشی کدگذاری می‌شد.

ضریب عدم تعادل

ضریب عدم تعادل (Coefficient of Imbalance) (COI) که به‌وسیله جانیس در ۱۹۸۵ به‌وجود آمده، برای اندازه‌گیری درجه‌ای که در آن هر روزنامه در مورد پنج موضوع نگرشی از پوشش خبری خود منحرف شده بود، مورد استفاده قرار گرفت. ضریب در رابطه با «کل محتوا» و «محتوای مربوط» اندازه گرفته شد. برای مثال، برای مشخص کردن ضریب عدم تعادل موضوع نگرشی تیراندازی به هواپیمای کره، محتوای کل، شامل کل جملاتی است که هر سه روزنامه در مورد کل پوشش حادثه تیراندازی به هواپیمای کره دارند. اما جملاتی که فقط در رابطه با تیراندازی است، «محتوای مربوط» است و هر کدام از اینها از حیث «جهت» هم سنجیده می‌شوند. ضریب عدم تعادل، عدم تعادل را در جهت‌های مثبت یا منفی و خنثی اندازه‌گیری می‌کند. فرمول این ضریب چنین است:

$$1 - C(F) = (F-U) \cdot F/RT$$

$$2 - C(U) = (F-U) \cdot U/RT$$

در این فرمول‌ها، C(F) به معنی ضریب عدم تعادل در جهت مثبت و C(U) ضریب عدم تعادل در جهت منفی است. (F) تعداد جملات خوب و مطلوب و (U) تعداد جملات بد و نامطلوب است. تعداد جملات مربوط به موضوع (مثبت، منفی، خنثی)، با R نشان داده می‌شوند و k کل تعداد جملات است. (مرتبط یا غیرمرتبط) هر بخش مطلوب ارزش +۱ می‌گیرد و هر بخش نامطلوب ارزش -۱ و هر بخش خنثی و نامربوط ۰. بعد از

جدول شماره (۱)

فراوانی و درصد جملات در مورد هر دو حادثه برای هر روزنامه

نام روزنامه	هواپیمای کره			ایران ایر			مجموع	
	فراوانی	درصدسطری	درصدستونی	فراوانی	درصدسطری	درصدستونی	فراوانی	درصدسطری
نیویورک تایمز	۲۶۱۱	۶۸/۹	۴۳/۵	۱۱۸۱	۳۱/۱	۴۰/۶	۳۷۹۲	۱۰۰
واشنگتن پست	۱۸۸۶	۶۵/۷	۳۱/۴	۹۸۶	۳۴/۳	۳۳/۹	۲۸۷۲	۱۰۰
لس آنجلس تایمز	۱۵۰۷	۶۷/۰	۲۵/۱	۷۴۳	۳۳	۲۵/۵	۲۲۵۰	۱۰۰
کل	۶۰۰۴	۱۰۰		۲۹۱۰		۱۰۰	۸۹۱۴	

نگرشی ایالات متحده بکار رفته‌اند. نتایج جداول شماره ۲ و ۳ نشان می‌دهند که موضوع نگرشی تیراندازی به هواپیمای کره نسبت به تیراندازی به هواپیمای ایران دارای جملات قضایوتی بیشتری بود. ($P < 0.001$) و $X^2 = 34.06$ و موضوع شوروی هم نسبت به آمریکا، دارای جملات تفسیری بیشتری در هر سه روزنامه بود ($P < 0.01$ و $X^2 = 11/95$) این امر فرضیه‌های ۳ و ۴ را تأیید و حمایت می‌کند.

جدول شماره (۳)

درصد جملات استنباطی و قضایوتی مرتبط با موضوع شوروی و آمریکا

روزنامه‌ها	موضوعات نگرشی			
	استنباط	قضایوت	استنباط	قضایوت
نیویورک تایمز	۲۷/۱	۱۲/۳	۱۰/۹	۹/۴
واشنگتن پست	۱۶/۹	۱۳/۷	۱۲/۹	۸/۱
لس آنجلس تایمز	۱۳/۵	۲۰/۳	۸/۸	۱۰

نتایج برای فرضیه‌های ۲ و ۵ دلالت بر جهت‌گیری می‌کردند، اما از نظر آماری، معنی‌دار نبودند.

جهت‌گیری گزارش

داده‌های جدول شماره ۴ نشان می‌دهند که حادثه هواپیمای کره نسبت به ایران ایر، پوشش خبری منفی بیشتر می‌گرفت. ضریب عدم تعادل برای موضوع تیراندازی به هواپیمای کره جهت‌گیری نسبتاً منفی را نشان می‌دهد (-0.048). برعکس، موضوع تیراندازی به هواپیمای ایران، پوشش خبری مناسب

جدول شماره ۴

فراوانی و درصد جملات مثبت، منفی و خنثی و همچنین ضریب عدم تعادل مرتبط با پنج موضوع نگرشی در مجموع سه روزنامه

جهت‌گیری جملات	تیراندازی به هواپیمای کره		تیراندازی به هواپیمای ایران		شوروی		آمریکا		ایران
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
منفی	۷۲۰	۲۴/۵	۱۷۱	۱۱	۷۳	۹۴۴	۴۸	۲۴/۳	۸۹
خنثی	۱۸۸۲	۶۴/۱	۹۰۱	۵۷/۹	۳۳۱	۲۰/۶	۹۸	۴۷/۶	۱۸
مثبت	۳۳۶	۱۱/۴	۴۸۳	۳۱/۱	۱۹	۱/۵	۶۰	۲۹/۱	۰
کل	۲۹۳۹	۱۰۰	۱۵۵۵	۱۰۰	۱۲۹۴	۱۰۰	۲۰۶	۱۰۰	۱۰۰
COI	-0.048		+0.033		-0.1124		-0.012		-0.0254

خبری بیشتری از حادثه ایران ایر گرفت ($X^2 = 7/71$ و $P < 0.05$). به این ترتیب، فرضیه اول تأیید می‌شود.

سبک گزارشگری

بررسی فراوانی‌ها و درصدهای جمله‌های گزارشی، تفسیری و استنباطی در هر روزنامه نشان داد که آنها غالباً از جمله‌های گزارشی برای توضیح و تشریح پنج موضوع تیراندازی

محاسبه تعداد جملات مطلوب یا نامطلوب مرتبط با یک موضوع خاص، اگر تعداد بخش‌های مطلوب بیش از تعداد بخش‌های نامطلوب بود، فرمول اول به کار برده می‌شود و اگر بخش‌های نامطلوب بیش از مطلوب بود، فرمول دوم به کار برده می‌شود. ضریب عدم تعادل بین -۱ و +۱ در نوسان است. ضریب عدم تعادل برای هر موضوع و هر روزنامه و مجموع سه روزنامه محاسبه شد.

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش، فقط خبرهای صرف کدگذاری شدند، ۱۵۰ مورد خبر برای حادثه هواپیمای کره و ۶۷ خبر برای حادثه ایرباس ایران.

دو کدگذار با ضریب قابلیت اعتماد ۰/۸۷ مشخص کردند که آیا مطلب، خبر صرف است و مستقیماً به موضوع مربوط می‌شود یا نه.

حد پوشش

از نظر حدپوشش هر روزنامه، جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که نیویورک تایمز ۶۱ خبر صرف در رابطه مستقیم با هواپیمای کره و ۲۸ خبر مرتبط با ایران ایر داشت. واشنگتن پست، ۵۰ مطلب در مورد هواپیمای کره و ۱۹ مورد درباره ایران و لس آنجلس تایمز ۳۹ مطلب در مورد هواپیمای کره و ۲۰ مطلب در رابطه با ایران داشت. این ارقام حاکی از آن است که هر روزنامه تقریباً دوبرابر ایران به حادثه کره پوشش داده است. در مجموع سه روزنامه، ۱۵۰ خبر برای هواپیمای کره و ۶۷ خبر برای ایران ایر بود. نیویورک تایمز هم به خبر هواپیمای کره و هم به خبر ایران بیش از دو روزنامه دیگر پرداخته بود. در مرحله دوم واشنگتن پست و در مرحله سوم، لس آنجلس تایمز.

داده‌های جدول شماره ۱ نشان می‌دهند که حادثه هواپیمای کره به طور معنی‌داری پوشش

مطلوب‌تری دریافت کرد (۰/۰۳۳۳+). مقدار پائین ضریب دلالت بر وجود جملات خنثی دارند. همچنین نشان‌دهنده تعداد کم جملات نگرشی نسبت به کل محتوا هستند.

وقتی عاملان هریک از دو حادثه را مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که شوروی به‌صورت منفی به تصویر کشیده شده است. از سوی دیگر آمریکایی‌ها به نحو مطلوب‌تری نسبت به همتایان روسی‌شان نشان داده شده‌اند. ضریب عدم تعادل برای دو موضوع نگرشی اتحاد جماهیر شوروی (COI = -۰/۱۱۲۴) و آمریکا (COI = -۰/۰۰۱۲) این اختلاف را نشان می‌دهد.

بازیزگر سوم، ایرانی‌ها با ۸۳/۲ درصد جملات منفی و صفر درصد جملات مثبت، تنها پوشش منفی گرفتند. ضریب عدم تعادل (۰/۰۲۵۴-) نشان‌دهنده جهت‌گیری نسبتاً منفی است. اگرچه ایران بیشترین درصد جملات منفی را به خود اختصاص داده است اما ضریب عدم تعادل می‌گوید که شوروی به منفی‌ترین شکل تصویر شده است.

(منظور این است که درصد می‌گوید که ایران و ضریب عدم تعادل می‌گوید که شوروی، بیشترین تصویر منفی را گرفته‌اند) نسبت بیشتر محتوای مربوط به شوروی، دلیل این امر است.

به‌طورکلی، مقدار ضرایب پائین عدم تعادل برای هریک از سه بازیزگر و آمریکا به‌خاطر

مقدار بالای جملات خنثی و جملات غیرمرتبط بوده است.

آنچه که در سطح کلی دیده می‌شود، واقعیت هریک از روزنامه‌هاست. درصد‌های مربوط به جملات منفی، خنثی و مثبت و ضرایب عدم تعادل درباره هریک از موضوعها، در هر روزنامه بسیار شبیه یکدیگرند (جداول ۵ تا ۹)

نتایج نشان داده شده در جداول شماره ۴ تا ۹، فرضیه شماره ۶ را مبنی بر اینکه تیراندازی به هواپیمای کره‌ای بسیار منفی‌تر از تیراندازی به ایرباس ایران تصویر شده بود و اتحاد جماهیر شوروی و ایران بسیار منفی‌تر از آمریکا به تصویر کشیده شده‌اند، تایید و حمایت می‌کند.

منابع (منبع خبر)

روزنامه‌های مورد بررسی در وهله اول به هیات تحریریه و نویسندگان خودشان در پوشش دادن دو حادثه متکی بوده‌اند.

به‌عنوان نمونه، نویسندگان آمریکایی این روزنامه‌ها، ۷۶ درصد از کل مطالب مربوط به دو حادثه را نوشته‌اند. ۸۰/۶ درصد در ارتباط با حادثه هواپیمای ایران و ۷۴ درصد در ارتباط با حادثه هواپیمای کره.

این امر فرضیه شماره ۷ را مبنی بر اینکه در گزارشگری پیرامون حوادث مربوط به سقوط هواپیمای کره و ایران، انکای بسیار زیادی به

جدول شماره ۵

فراوانی و درصد جملات مثبت، منفی و خنثی مربوط به موضوع سقوط هواپیمای کره در هر روزنامه

جهت‌گیری جملات	نیویورک تایمز		واشنگتن پست		لس آنجلس تایمز	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
منفی	۳۲۰	۲۴/۱	۲۴۹	۲۵/۸	۱۵۱	۲۳/۴
خنثی	۸۹۵	۶۷/۴	۶/۵	۶۳/۷	۳۷۳	۵۷/۷
مثبت	۱۱۳	۸/۵	۱۰۱	۱۰/۵	۱۲۲	۱۸/۹
مقدار کل	۱۳۲۸	۱۰۰	۹۶۵	۱۰۰	۶۴۶	۱۰۰
COI	-۰/۰۴۴۷		-۰/۰۲۳۷		-۰/۰۲۹۱	

جدول شماره ۶

فراوانی و درصد جملات منفی، مثبت و خنثی در ارتباط با سقوط هواپیمای ایران، در هر روزنامه

جهت‌گیری جملات	نیویورک تایمز		واشنگتن پست		لس آنجلس تایمز	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
منفی	۴۹	۷/۶	۸۳	۱۵/۵	۲۹	۱۰/۵
خنثی	۲۸۸	۵۹/۹	۲۹۳	۵۴/۶	۲۲۰	۵۹/۵
مثبت	۲۱۱	۳۲/۶	۱۶۱	۳۰	۱۱۱	۳۰
کل	۶۴۸	۱۰۰	۵۳۷	۱۰۰	۳۷۰	۱۰۰
COI	-۰/۰۴۴۷		-۰/۰۲۳۷		-۰/۰۲۹۱	

منابع آمریکایی خواهد بود، تایید و پشتیبانی می‌کند.

نتیجه‌گیری

داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهند که بین نحوه پوشش خبری دو رویداد به‌وسیله مطبوعات تفاوت وجود دارد. داده‌ها نشان می‌دهند که ملیت به‌وجودآوردندگان یک رویداد به‌طرز معنی‌داری روی چگونگی پوشش رویداد تاثیر می‌گذارد. نتایج به یک موضوع مهم دیگر هم اشاره دارند و آن اینکه نیویورک تایمز، واشنگتن پست و لس آنجلس تایمز تقریباً از یک چارچوب یکسان برای خبررسانی استفاده می‌کنند. اگرچه نیویورک تایمز به هر دو مورد خبری پوشش بیشتری داد، اما به‌نظر

می‌رسد که هر سه روزنامه از قانون واحدی برای گزارشگری استفاده می‌کنند. در مورد محتوای سرمقاله‌ها هم تفاوت اندکی بین روزنامه‌ها به‌چشم می‌خورد. تصمیمات سردبیری هم مشابه است. مثلاً هر سه روزنامه هیچ مطلبی را راجع به سقوط ایرباس ایران در تعطیلات پایان هفته ماه جولای یعنی ۹ و ۱۰ جولای ۱۹۸۸ منتشر نکردند و هر سه آنها بعد از این تعطیلات، دوباره مطالب راجع به سقوط هواپیما را از سر گرفتند. این یافته‌ها شبیه به یافته‌های «کوزکوران» است که در سال ۱۹۸۶

به‌این نتیجه رسید که سه مجله خبری در مورد حادثه هواپیمای کره، تفسیرهای مشابهی را ارائه کردند و کوزکوران را به این فکر انداخت که این هم حجت دیگری بر روزنامه‌نگاری

قبالی (Pack Journalism) است. هر سه روزنامه حادثه هواپیمای کره را بسیار منفی‌تر از حادثه ایران نشان دادند. عاملان و عمل آنها در حادثه هواپیمای کره بسیار منفی‌تر از حادثه ایران‌ایر به تصویر کشیده شدند. توصیفات منفی بسیار شایع‌تر و متداول‌تر بود. حیطه توصیفاتشان از کلماتی چون «بربر» تا «تفراور»

را در بر می‌گرفت. به‌طور کلی، پوشش خبری هواپیمای کره به برانگیختن احساسات مردم گرایش داشت و در مورد ایران، از بکاربردن زبان احساس برانگیز خودداری می‌شد.

باتوجه به این که اخبار مربوط به هواپیمای ایرانی، نصف خبرهای هواپیمای کره‌ای بود، معلوم می‌شود که سعی می‌شده، این واقعه به یک بحران در سطح عمومی تبدیل نشود. اگرچه آمریکا در این ماجرا دخالت داشت و این مسأله باعث بالا رفتن ارزش خبری این موضوع

جدول شماره ۷

فراوانی و درصد جملات منفی، مثبت و خشی در رابطه با موضوع شوروی در هر روزنامه

جهت‌گیری	نیویورک تایمز		واشنگتن پست		لس آنجلس تایمز	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
منفی	۴۶۳	۶۶/۸	۲۸۷	۸۲	۱۹۴	۷۷/۳
خشی	۲۶۶	۳۲/۶	۵۶	۱۶	۴۹	۱۹/۵
مثبت	۴	۰/۶	۷	۲	۸	۳/۲
کل	۶۹۳	۱۰۰	۳۵۰	۱۰۰	۲۵۱	۱۰۰
COI	-۰/۱۱۷۵		-۰/۱۲۱۷		-۰/۰۹۵۴	

در تحلیل نهایی، در این مورد که آیا روزنامه‌های آمریکایی عقاید مستقل خود را بیان می‌کنند یا دیدگاه‌های رسمی دولت آمریکا را، مشخص شد که چگونه افکار عمومی در مورد ایران، شوروی و نقش آمریکا، از روزنامه‌ها تاثیر می‌گیرند. این اتفاقی نیست که اکثریت آمریکایی‌ها از سیاست‌های رسمی - هم در مورد کره و هم در مورد ایران - حمایت می‌کنند.

جدول شماره ۸

فراوانی و درصد جملات منفی، خشی و مثبت در رابطه با موضوع آمریکا در هر روزنامه

جهت‌گیری	نیویورک تایمز		واشنگتن پست		لس آنجلس تایمز	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
منفی	۱۴	۲۱/۹	۱۵	۲۴/۲	۱۹	۲۳/۷
خشی	۲۹	۴۵/۳	۳۰	۴۸/۶	۳۹	۴۸/۷
مثبت	۲۱	۳۲/۸	۱۷	۲۷/۴	۲۲	۲۷/۵
کل	۶۴	۱۰۰	۶۲	۱۰۰	۸۰	۹۹/۹
COI	-۰/۰۰۱۹		-۰/۰۰۰۶		-۰/۰۰۱۱	

چرا پوشش خبری به نحو قابل ملاحظه‌ای متفاوت بود؟ فرض‌های گوناگونی برای پاسخ وجود دارد شاید در فاجعه ایران، گزارشگران به‌طور ناخودآگاه تحت تاثیر انکار (Cidiental) گسناه (Guilt) و منطق‌گرائی (Rationalization) قرار داشته‌اند، یا شاید خبرنگاران آمریکایی وطن‌پرست هستند و در مورد موضوعاتی که پای منافع آمریکا در میان باشد، محافظه‌کارانه عمل می‌کنند. اگرچه این فرضیه‌ها جالب به نظر می‌رسند ولی آزمون آنها در حیطه کار این تحقیق نمی‌گنجد. این پژوهش، یک تحقیق کمی بود که هدفش مستند کردن وجود جهت‌گیری در مورد دو

جدول شماره ۹

فراوانی و درصد جملات مثبت، منفی و خشی مرتبط با موضوع ایران، در هر سه روزنامه

جهت‌گیری	نیویورک تایمز		واشنگتن پست		لس آنجلس تایمز	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
منفی	۴۱	۸۷/۲	۲۳	۸۲/۱	۲۵	۹۸/۶
خشی	۶	۱۲/۸	۵	۱۷/۹	۷	۱/۴
مثبت	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کل	۴۷	۱۰۰	۲۸	۱۰۰	۳۲	۱۰۰
COI	-۰/۰۳۰۳		-۰/۰۹۹۲		-۰/۰۲۶۳	

مستند کردن وجود جهت‌گیری در مورد دو حادثه خاص بود. بنابراین تا حد ممکن پرسش‌ها به شیوه دقیق مورد آزمون قرار گرفته و نتایج واضح و صحیحی، دستیابی به اهداف تحقیق را ممکن ساختند. به هر حال لازم است که در این زمینه، هم از نظر تئوری و هم از نظر توصیفی، از حد شناختمان فراتر برویم و به بافت تاریخی و اجتماعی که در آن سازمان خبری عمل می‌کند، بپردازیم و محرک‌ها و فشارهایی را که ناشی از سازمان خبری و مقدار تحمل آن سازمان نسبت به خبر تولید شده است، بشناسیم. تحقیقاتی نظیر تحقیق حاضر، لازم است که به‌وسیله پژوهش‌های دیگری کامل شود، مثل تحلیل فرهنگی و آزمون کمی دیگر مسائل نظیر محتوای رسانه‌ها و رابطه آنان با فرهنگ مسلط و گفتمان سیاسی در یک جامعه و اشکال مختلف رسانه‌ها که شامل نظام‌های معنایی غالب و غیرغالب است (کورکوران ۱۹۸۳)

کارهای مربوط به بررسی تاثیرگذاری در این زمینه انجام شده ولی هنوز کارهای دیگری باید انجام شود. اگر انواع تحقیقات تاریخی، کیفی و اجتماعی یکدیگر را کامل کنند، می‌توان امیدوار بود که لااقل در بعضی موضوعات وابسته، به کفایت گفتگوها برسیم. □

این گزاره که «مطبوعات معتبر آمریکایی حقایق را منتشر می‌کنند»، تجدیدنظر کنیم. در مورد حادثه ایران و کره، به نظر می‌رسد که مسائل از زبان یک گروه بیرون آمده است. رهبران آمریکا، روزنامه‌های آمریکا به جای آنکه روی رهبران تاثیر بگذارند، موقعیتی را فراهم می‌آورند که آنها بتوانند نظرات و دیدگاه‌های خود را مطرح سازند. در واقع روزنامه‌ها نقش رسانه‌ای را دارند که از طریق آن، دولت نظرات و دیدگاه‌های خودش را به مردم ارائه می‌کند. دولت آمریکا در سقوط هواپیمای کره‌ای روی نظرات خودش در مورد شوروی تاکید کرد و او را «امپراتوری شیطانی» خواند و در مورد ایران سیاست‌های ریگان را تأیید، و رژیم ایران را غیرمسئول معرفی کرد. این مسأله مؤید تحقیقات قبلی است که می‌گوید پوشش روزنامه‌های آمریکایی در مورد مسائل بین‌المللی، انعکاسی از سیاست‌های غیرواقع‌گرایانه رسمی است.

می‌شد ولی بعد از پنج روز، پوشش خبری کم شد در حالیکه به بسیاری از پرسش‌ها پاسخی داده نشده بود.

در هفتم جولای ۱۹۸۸، درست چهارروز بعد از سقوط ایرباس ایرانی، نتایج یک نظرسنجی که شبکه ABC در مورد دیدگاه‌های آمریکاییان در مورد حادثه ایران انجام داده بود منتشر شد. در این نظرسنجی آمده است:

«آمریکاییان با تمام وجود معتقدند که کار «وینستس» در شلیک به هواپیمای جت ایرانی، کاملاً توجیه‌شده است و آنها به‌طور قوی سیاست‌های ریگان را در خلیج فارس تایید می‌کنند.»

این مسأله نشان می‌دهد که نگرش مردم منطبق با نگرش دولت آمریکا است و دلیل این امر هم آن است که عموم مردم اطلاعاتشان را از منابع رسمی آمریکا به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم دریافت می‌کنند.

اگر این فرض درست باشد، باید در مورد